

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ماشیح و موعود یهود در نمازنامه و دعاهاى یهود

نگارنده:

عبداله بهرامی

مقدمه

انتظار وضع بهتر و آینده‌ی روشن، برای جامعه بشری، امری است که امروز کمتر کسی را میتوان یافت؛ که چنین آرزویی را نداشته باشد و در غالب اقوام و ادیان گذشته مخصوصاً ادیان خاورمیانه و ادیان ابراهیمی، چنین انتظاری است. در دین یهودی که قدیمیترین دین ابراهیمی است و قوم بنی اسرائیل خود را پاسدار و وامدار آن میدانند؛ این مساله از اهمیت بیشتری برخوردار است.

البته در مورد موعود و منجی بشر و پدید آمدن دوران طلایی در آینده برای قوم یهود، در اسفار تورات نکته‌ی خاصی نیست؛ ولی در زمان انبیا بعدی به هر دلیل، که بود؛ می‌بینیم؛ مساله‌ی انتظار مسیحا اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و در عهد قدیم، در باب کتب انبیا و پیشگویی‌های آنها، مخصوصاً از زمان اشعیای نبی به بعد، مساله پررنگتر شده است. اینک ما می‌خواهیم به فضل خداوند متعال مقوله‌ی ماشیح و مسیحا و موعود و منجی یهودی را در دعاها و نمازهای یهودیان، بحث کنیم؛ تا معلوم شود که؛ این مساله به اندازه‌ای در جامعه یهود عمق یافته است که؛ در دعاها و نمازهای آنها مطرح می‌شود. قبل از پرداختن به بحث به بعضی از ادیان اشاره می‌کنیم که، به مساله موعود پرداخته‌اند.

منجی و موعود در سایر ادیان

پیروان اکثر ادیان حاضر عقیده دارند که، در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه جا را فراگیرد؛ یک نجات‌دهنده‌ی بزرگ جهانی طلوع می‌کند و به واسطه‌ی نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته‌ی جهان را اصلاح میکند و خدا پرستی را بر بی‌دینی و مادیگری غلبه می‌دهد؛ در کتابهای مقدس زرتشتیان مثل "زند" و "پازند" و کتاب "جاماسنامه" و "تورات" و "انجیل" عیسویان می‌توان این مطلب را پیدا کرد؛ بلکه در کتابهای مقدس "براهمه" و "بودائیان" نیز به این مساله اشاره شده است. [۱] همه‌ی ارباب ملل و ادیان این عقیده را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی به سر می‌برند. هر ملتی او را با لقب مخصوصی می‌شناسد. زرتشتیان او را به نام سوشیانس (نجات‌دهنده‌ی جهان)، جهودان او را به نام سرور میکائیلی، عیسویان او را به نام مسیح موعود، مسلمانان به نام مهدی موعود می‌شناسند. لیکن هر ملتی او را از خودش

محسوب می‌دارد. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زردشت می‌دانند؛ جهودان از بنی اسرائیل و پیروان موسی می‌شمارند؛ عیسویان او را همکیش خود می‌دانند و مسلمانان، از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبرش می‌شمارند. در اسلام به طور کامل معرفی شده لیکن در سایر ادیان چنین نیست. [۲] البته اینکه فرموده اند؛ در سایر ادیان، به صورت کامل معرفی نشده است؛ چنین نیست. در مسیحیت ایشان همان حضرت مسیح است که با هیبت خدائی برمی‌گردند و داوری نهایی را انجام می‌دهند و نجات نهایی صورت می‌گیرد. و این مطلب در عهد جدید روشن است. قال رسول الله (ص): "لا تذهب الدنيا حتى يقوم على امتی رجل من ولد الحسین یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلما". [۳] از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح، در آخر الزمان، اصلی اساسی بوده است. پیشینیان بشر، پیوسته، آن را به یادها می‌آورده اند، اکنون نیز پس از گذشت قرن‌ها، در خلال یادگارهای انسانهای قدیم، آثاری است که ما را به گفته ی بالا رهنمون می‌کند. اصول فتوریسم یعنی اعتقاد به دوره ی آخر الزمان، و انتظار ظهور منجی، عقیده ایست که در کیشهای آسمانی یهودیت (جوداییسم)، و زردشتی (زواستریانیسم) و مسیحیت (در سه مذهب عمده ی آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس)، و مدعیان نبوت عموما، و دین مقدس اسلام خصوصا، به مثابه ی یک اصل مسلم قبول شده است و درباره ی آن درمباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته ی تئولوژی بیبلکان، کاملا شرح و بسط داده شده است. [۴] بشارتها و پیشگویی‌ریهایی که درباره مهدی و ظهور مهدی، در کتابهای مقدس، و دیگر آثار پیشین، و در سخنان حکمای قدیم، رسیده است؛ فراوان است. برخی از فاضلان، پاره‌ای از این بشارتها و این سخنان را گرد آورده‌اند. [۵]

در آیین زردشتی

در کتابها و آثار زردشت و زردشتی، درباره آخرالزمان، و ظهور موعود، مطالب بسیاری آمده است، از جمله در این کتابها: کتاب "اوستا"، "زند"، "جاماسب نامه" "داستان دینیک"، "زراتشت نامه". در دین زرتشت، موعودهای معرفی شده‌اند که؛ آنان را "سوشیانت" می‌نامند. این موعودها سه تن بودند که، مهمترین آنان آخرین ایشان است. و او "سوشیانت پیروزگر" خوانده شده است. و این "سوشیانت"، همان موعود است؛

چنانکه گفته اند: "سوشیان‌ت مزدیسان"، به منزله ی "کوشیای بر همان"، "بودای پنجم بودائیان"، "مسیح یهودیان" "فارقلیط عیسویان"، و "مهدی" مسلمانان است.

منجی در آیین هندوان

در آیین های هندوان و کتابهای آنان نیز سخن از نجات دهنده و موعود آمده است. از جمله در کتابهای "مهابهاراتا" و "پورانها"، در دین بودایی نیز مساله انتظار مطرح است، شخص مورد انتظار این آیین "بودای پنجم" است. و در آیین یهود که خود را پیروان حضرت موسای کلیم(ع) می‌دانند؛ نیز منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتابهای انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است. به هر حال چون یهودیان، به حضرت مسیح(ع) ایمان نیاورده اند، بطبع موعود آنها هنوز ظهور نکرده است.

منجی در آیین یهود

اینک نام چند کتاب از کتابهای یهودیت و عهد عتیق، که در آنها سخنانی درباره موعود آمده است: "کتاب دانیال پیامبر"، "کتاب حجی (حکای پیامبر"، "کتاب صفیای پیامبر"، "کتاب اشعیای پیامبر". همچنین در کتاب "زبور حضرت داوود(ع)" نیز، در این باره، مطالبی ذکر شده است، چنانکه "قرآن کریم"، از "زبور" و ذکر غلبه ی صالحان در آن، سخن گفته است: "ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون" [۶]

منجی در آیین مسیحیت

در آیین مسیحیت، و کتابهای مقدس این آیین نیز، بشارتهای بیشتر و روشن تری درباره موعود آخر الزمان رسیده است. و علت آن، یکی قرب زمان است، زیرا با ظهور حضرت مسیح علیه السلام، زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی(ع) نزدیکتر شده است. علت دیگر تحریف کمتری است که در این آثار پدید آمده است. "چند کتاب آنها در این مورد عبارت است از "انجیل متی"، «لوقا»، "حرقس"، "برنابا" "یوحنا". [۷] بنابراین نتیجه می‌گیریم که اجمالا به اصل منجی بشریت و موعود عالم در ادیان مهم بشارت داده شده است و عمده اختلاف در مصادیق است.

انتظار مسیحا در دعاهای یهود و نمازهای آنها

همانطوری که قبلا بیان کردیم در اکثر ادیان بحث منجی مطرح است که در یهودیت به آن "ماشیح" یا "مسیحا" می‌گویند. انتظار "مسیحا" در آیین یهود بحث دامنه دار و دارای زوایای گوناگون است که، اینک به یک زاویه ی آن می‌پردازیم و آن زاویه انتظار مسیحا در دعاهای یهود است. آموزه‌ای به این مهمی یعنی "مسیحا" که، در دین یهود مطرح است حتما در بخشهای مختلف آن آئین بازتاب خواهد داشت و یکی از بخشهای هر دین قسمت مناجات، دعا و ... می‌باشد که در دین یهود هم این آموزه در این بخش موثر بوده است. و بوی انتظار از لابه لای دعاها و نمازهای آنها به مشام می‌رسد. در نمازهای روزانه، نمازهای سبت و اعیاد، در مناجاتها و سرودهایی که گاه و بیگاه به نماز نامه افزوده شده (پیویم)، در نماز مناسبتهای ویژه و حتی در دعا برای پادشاه و حکومت. امید به نجات از تبعید و برپای ملت یهود، در شکوهمندی میراث قدیم، یک اصل مهم نمازنامه ی یهود است. حقیقت یاد شده، با در نظر گرفتن شرائطی که نمازنامه، در آن تالیف و تدوین شده، ابدأ شگفت آور نیست. نماز یهود در اصل عناصری از زمان قبل از تبعید به بابل را در خود دارد و برخی مطالب آن به عصر دولت نخست یهود برمی گردد. ولی صورتهای آن به قرن اول میلادی مربوط می‌شود و شکل فعلی آن شش، یا هفت قرن بعد، تهیه شده است. نماز اصلی یهود، به نام "شمونه عشره" (هیجده) بلافاصله پس از ویرانی دوم معبد، هنگامیکه آن جراحات تازه و امید به نجات سریع بسیار جدی بود، زیر نظر ناسی گملئیل فراهم آمده است. [۸] سایر بخشهای نماز نامه، در میان شور بختیها و وحشتهای پراکندگی یهود، در طول ظلمات قرون میانه که برای یهودیان آواره، خوار و منفور ظلمانی ترهم بود، تدوین شده است. یهودیان، تحت فرمانروای بت پرستان، مسیحیان یا مسلمانان، پیوسته موقعیت حقارت آمیز خود در جهان را به یاد می‌آوردند. گرایش به بازگشت به سرزمین مستقل مالی متناسب با این تیره، روزها رشد می‌کرد و الهام بخش سرایندگان و حکیمانی بود که متون نیایش به درگاه خدای بنی اسرائیل را تنظیم می‌کردند. طبعاً نمازنامه ی یهود که، تحت تاثیر این امور تحول یافته، فریاد طولانی و مداوم برای رهای از وحشتهای تبعید بود. تمام دعاهای مربوط به نیکبختی فردی، کامیابی مادی، طول عمر، سلامت و ثروت، در دعاهای رقت انگیز و جگر سوز بازگشت تبعیدیان اسرائیل،

به سرزمین اجدادی خود، غرق شده‌اند. دعا برای بخشایش گناهان، فهم بهتر شریعت خدا، باران، شب‌نم و خرمن خوب و فراوان، در نمازنامه ی یهود جایی را به خود اختصاص می‌دهند. تمام اینها از امیدی بزرگ و فراگیر اشباع شده و بدان وابسته‌اند. نویسندگان و گرد آوردنگان نمازنامه، تصور می‌کردند که همه ی امیدهای زودگذر و مادی پس از یک تکامل همگانی محقق خواهد شد. روزگاری که بنی اسرائیل به میراث قدیم خود بازگردانده شوند و زمین از شکوه خدای یکتا و حقیقی پر شود. جالب توجه اینکه؛ حتی بخشهایی از نماز یهود که، پس از گسترش قبلا تهیه شده است؛ تنها اندکی از مفاهیم مبالغه آمیز عصر مسیحایی را، که در نوشته‌های مکاشفه ای، اگادای تلمود و تفاسیر "میدراشیم" متاخر می‌یابیم، در بردارد. این پدیده هنگامی عجیب تر می‌نماید که، معلوم شود؛ مبنای بسیاری از آن پیوطیم، داستانها، افسانه‌ها، تفاسیر و توضیحات اگادایی است؛ ولی تنها عناصر مهمتر عصر مسیحای، مانند شناخت جهانیان از خدای بنی اسرائیل، نوسازی اورشلیم، تجدید آیین قربانی، برخاستن مردگان و گرد آمدن همه ی بنی اسرائیل در سرزمین موعود، در آن نمازها، مورد تاکید قرار گرفته است. عناصر خیالی و مادی که، شدیداً پرهیز شده است. همچنین معلوم می‌شود؛ ربانیونی که به تهیه و گردآوری نمازها پرداخته‌اند، از تخیلات مبالغه آمیز خود، که در مدارس علمی از آن دم زده و در رساله تلمود و میدراش آن را آورده‌اند، فاصله گرفته و درمسائل فقهی، همچنین در متون نماز نامه، آنها را فراموش کرده‌اند. سخن بیشتر سراینندگان دین برگرد مفهوم جهانی، امید انبیا به اصلاح اخلاقی و دینی و اینکه بنی اسرائیل یک ملت مستقل شوند و تحت یک حکومت الهی خالص زندگی کنند، دور می‌زند. یکی از کهن‌ترین و برجسته‌ترین بخشهای نماز یهود "عمیدا" یا "تفیلا" (دعا) است. نماز یاد شده معمولاً "سمونه عشره" (هجده) نامیده می‌شود و این عدد به شمار سندهای برکت آن در اصل اشاره دارد. ولی یک بند نیز بعداً بدان افزوده شده است. در این نماز که برجسته‌ترین جنبه‌های نمازهای سه گانه ی روزانه را در بردارد، اشارات و نشانه‌هایی از امید مسیحایی دیده می‌شود. در بند اول، خدا به عنوان "کسی که برای بنی اسرائیل یک منجی می‌فرستد" معرفی شده است. در بند دوم، به گونه‌ای بر امید به رستاخیز مردگان تاکید شده است که، نشان می‌دهد؛ آن بند را فریسیان، در دوران نفوذ صدوقیان که منکر رستاخیز بوده‌اند؛ تهیه کرده‌اند. بند هفتم

دعایی است که در آن از خدا خواسته شده است؛ "بنی اسرائیل را به خاطر نام خود نجات دهد، گرچه آنان گناهکار باشند". بند دهم که در تلمود، به عنوان دعا برای "گرد آمد از تبعیدگاهها" توصیف شده، با دعای برای "نفخ صور" [۹] و برای افراشتن یک پرچم، [۱۰] به نشانه ی آزادی تبعیدانی که از چهار گوشه ی زمین گرد می آیند [۱۱]، آغاز می شود. بند یازدهم دعایی است؛ "برای تاسیس حکومت مستقل، برای بنی اسرائیل، همراه با قاضیان و مستشاران [۱۲] تحت اشراف خداوند." بند چهاردهم "دعا برای نوسازی اورشلیم و استوار شدن دوباره تخت "داوود در آن" و بند پانزدهم [۱۳] "دعا مکرری است؛ برای برافراشتن خاندان سلطنتی داوود" [۱۴] بند هفدهم "دعا برای احیای پرستش در معبد و آیین قربانی است و با این امید ختم می شود "چشمان ما ببیند که، تو از در رحمت به صهیون باز می گردی". بنابراین، هفت بند از مجموع نوزده بند برکتهای "عمیدا" مستقیماً مسیحایی هستند و سایر بندها نیز به مسیحا اشاره و از او نشانه دارند. یکی از عالیترین و جهان شمول ترین دعاها برای نزدیک شدن، دوره مسیحا در چند "عمیدا"ی مختلف برای سال نو و روزه کفاره در سومین برکت پس از "قدوشا" وجود دارد. من بنا دارم آن را به طور کامل نقل کنم؛ زیرا دعای مذکور نمونه ی خوبی از مفهوم عالی عصر در اعتقاد فرهیختگان یهود است: اکنون، ای خداوند، خدای ما! ترس خود را بر تمام ساخته هایت مستولی گردان و هیبتت را بر هر آنچه آفرده ای؛ تا تمام ساخته هایت، از تو بترسند و تمام مخلوقات، جلوتر به سجده بیفتند و همه ی آنان پیمان واحدی را برای تحقق اراده تو با دلی کامل منعقد کنند. ای خداوند، خدای ما! آگاهی داریم که سلطنت از آن تو، قدرت در دست تو، و اقتدار در دست راست توست و باید از نام تو بیش از هر آنچه آفریده ای بترسیم. خداوند! شکوهت را به قومت، ستایش را به کسانی که از تو می ترسند؛ امید را به کسانی که در جستجوی تو هستند؛ آزادی کلام را به کسانی که منتظر تو هستند؛ شادی را به این سرزمین، خوشحالی را به این شهر، شاخ به افراشته ای را به داوود بنده ات. و یک نور روشن و درخشان را به سیر یشی مسیحایت، بی درنگ در روزگار ما عطا فرما، در آن زمان نیز صالحان با دیدن این چیزها، خوشحال خواهند شد و درستکاران، فخر و مباهات خواهند کرد و پارسیان، پیروزمندانه، شادی خواهند نمود، در حالیکه شرارت دهان خود را خواهد بست و پلیدی همچون دود، مضمحل خواهد شد و تو حکومت خود کامگان را از

زمین برخواهی افکند. آنگاه توای خداوندا! تو به تنهایی بر همه ساخته هایت بر کوه صهیون، مسکن جلال و در اورشلیم، شهر مقدست حکمرانی خواهی کرد؛ همان طور که خود در کلامت گفته‌ای: "خداوند سلطنت خواهد کرد؛ تا ابد الآباد و خدای تو، ای صهیون! نسلا بعد نسل. "هللویاه" [۱۵] و نیز احساسات شکوهمند "قدوشا" ی نیایش بامداد سبت و اعیاد آمده است. "علینو" که در پایان همه ی مراسم عبادی تلاوت می‌شود، بازهم جهان شمول تر است؛ زیرا در آن حتی به مسیحای شخصی، رهایی بنی اسرائیل یا نوسازی اورشلیم اشاره نشده است. این دعا به تکامل جهان در پادشاهی قادر متعال نظر دارد. در آن روزگار، همه ی بنی آدم، حتی بزهکاران روی زمین، خدا را خواهند پرستید، نام او را گرامی خواهند داشت و به پادشاهی او گردن خواهند نهاد. "خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابد الآباد". (سفر خروج ۱۸ک۱۵)؛ "یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد." (زکریا ۱۴:۹). اعتقاد به شخص مسیحا، در دعاهای برکتی که پس از صرف غذا خوانده می‌شود؛ آشکارتر است. در سومین برکت از خدا برای "بنی اسرائیل قوم تو، اورشلیم شهر تو، صهیون مسکن جلال تو، پادشاهی خاندان داوود مسیحای تو و خانه ی بزرگ و مقدسی که به نام تو نامگذاری شده است" طلب رحمت می‌شود. [۱۶] و از این نوع دعاها که به مسیحای یهود اشاره دارد؛ فراوان است. مثلا در دعا برای بازگشت بنی اسرائیل به صهیون در سراسر مراسم عبادی صبح و شام، مخصوصا در برکتهای قبل از "شمع" و "عمیدا" پراکنده است، و در سومین برکت از خدا برای "بنی اسرائیل" آیین عبادی "سفاردی" در ماهها و اعیاد، دعاهای کوتاه (هارحمن) که در پایان چهارمین برکت قرار دارند؛ دعا فیض پس از غذا، که در مراسم ختنه سوران خوانده می‌شود؛ دعاهای برکتی پس از خواندن "هفطارا" (بخشهایی از کتاب عهد عتیق) "میروت" (تسبیحات)، مراسم عبادی "سفاردی". اینها نمونه‌های از دعاهای است که، در آن از مسیحا کلامی آمده است. و البته منحصر به اینها نیست و در دعاهای دیگری هم وارد شده است. [۱۷]

نتیجه

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که انتظار مسیحا چه اندازه در جامعه یهود ریشه دوانده است که، در اوراد نمازهای خود و در دعاهای مختلف و مناجات با خدای بنی اسرائیل، هرگز غافل نبود و پیوسته بر آن تاکید داشته‌اند. یعنی ظهور منجی در دین یک آرمان بلند است و روزانه در سه نماز و در جاهای دیگر بر آن و ظهور مسیحا اصرار دارند و منتظر.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امینی، ابراهیم؛ دادگستر جهان؛ چاپ ۱۸، قم: انتشارات شفق، ۱۳۸۰.
۳. القندوزی الحنفی، الحافظ سلیمان بن ابراهیم؛ ینایع الموده؛ الطبعه ان له بی: منشورات المكتبه الحیدریه انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۷۵ ش - ۱۴۱۷هـ.
۴. حکیمی، محمد رضا؛ خورشید مغرب؛ چاپ ۲۳ تهران: انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۵. گرینستون، جولوس، مترجم: حسین توفیقی، انتظار مسیحا در آئین یهود چاپ اول، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
۶. قرآن کریم، سوره مبارکه انبیا، آیه شریفه ۱۰۵.
۷. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۵۲-۵۸.
۸. **berachoth ۲۸ megillag b, ۱۷ b** به نقل از انتظار مسیحا در آئین یهود .
۹. ر.ک: اشعیا ۱۳:۲۷؛ زکریا ۱۴:۹.
۱۰. ک: اشعیا ۱۱:۱۲. ر
۱۱. ر.ک: اشعیا ۴۳:۵، ۴۹:۱۳؛ زکریا ۸:۷.
۱۲. اشعیا ۱:۲۶.
۱۳. در تحریر فلسطینی آن یافت نمی شود.
۱۴. **gb۱۱ Megil laib , pesahim**
۱۵. نق از چاپ سینگر.
۱۶. گرینستون، جولون، ترجمه حسین توفیقی، انتظار مسیحا در آئین یهود، ص ۱۷۱-۱۷۸.
۱۷. ر.ک: قبل.